

سیدعباس صالحی، وزیر ارشاد در پاسخ به «فرهیختگان» در خصوص سپردن شورای پروانه نمایش و شورای انتخاب اسکار به خانه سینما:

برون‌سپاری منتفی است



کیانا تصدیق‌مقدم خبرنگار گروه فرهنگ

حدود دو هفته پیش کمیته انتخاب فیلم از سینمای ایران برای معرفی به آکادمی اسکار تشکیل شد و نکته قابل توجه اینکه تعداد نمایندگان خانه سینما در این کمیته در اکثریت بود. این موضوع نشان می‌داد انگار پس از گذشت چند سال دوباره مسئولیت انتخاب فیلم اسکار، از فارابی به خانه سینما- به‌عنوان یک نهاد صنفی و غیردولتی- سپرده می‌شود. در گزارشی که ۲۸ مرداد با عنوان «شورای پروانه‌نمایش در صف انتقال به خانه سینما؟» نوشتم، مزایا و معایب این تصمیم را بررسی کردیم. براساس این گزارش، دولت بنابر برنامه‌هایش و آنچه صالحی در برنامه خود گفته بود، می‌خواستست چگونگی نظارت‌ها را دوباره موردبررسی قرار بدهد و سازمان سینمایی و وزارت ارشاد سعی کند با توجه به شرایط کشور و گفتمان دولت، به‌عنوان حلقه واسط میان هنرمدان و ساختار عمل کند. اینکه سازمان سینمایی بخواهد وظیفه نظارتی خودش را

برون‌سپاری کند به فلان نهاد صنفی عملاً پاک‌کردن صورت‌مسئله و شکلی از ترک فعل است. آنچه قرار بود دولت بنابر گفت‌مانش پیش‌ببرد، وفاقی بود که اطمینان را به دستگاه‌های دولتی بالا ببرد و اعتماد ازدست‌رفته را ایجاد کند، نه آنکه با تولید نهادهای موازی دولتی را که درگیر مسائل جدی و پیچیده‌ای است درگیر مباحث حقوقی کند و سینما را در بحران‌ها و سازوکارهای جدید بیندازد. البته سیدعباس صالحی در نشست خبری اخیر خود گفته بود این برون‌سپاری‌ها اتفاق نمی‌افتد و گو یا ماجرا به‌کل منتفی است. او در پاسخ به سؤال «فرهیختگان» مبنی بر اینکه ساختار جدید وزارت ارشاد از کوچک‌سازی آن حکایت دارد؛ چنان‌که «اداره کل هنرهای نمایشی» به «دفتر» تقلیل‌یافته منحل شده است. در ادامه همین روند، شوراهای انتخاب فیلم اسکار و پروانه نمایش نیز از فارابی به خانه سینما منتقل می‌شود. فارغ از درستی یا نادرستی این تصمیم، آیا این تغییرات به‌معنای خلع‌بد حکمیت از حوزه‌فرهنگ نیست، گفت: «در باره پروانه نمایش و شورای انتخاب فیلم اسکار این اتفاق نمی‌افتد و بحث جداسازی منتفی است.»

سعی کردیم شکاف بین حکمرانی و هنرمندان را برطرف کنیم

صالحی در ابتدای نشست خبری توضیحی اجمالی در باره عملکرد وزارت ارشاد در سالی که گذشت داد و گفت: «باید در نظر بگیریم ایران امسال و سال گذشته با ایران در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بسیار تفاوت پیدا کرده است. این تغییرات ذیل دو بحث تعریف می‌شود؛ تغییرات اجتماعی و تغییرات فناوریانه. اگر این تغییرات را نبینیم نمی‌توانیم راه‌حل‌های متناسبی بدهیم. در سال‌های اخیر سرمایه اجتماعی به دلایل مختلف افول پیدا کرده و این یک آسیب است. یکی از رویکردهای اصلی ما در سالی که گذشت این بود که سرمایه اجتماعی و تعامل با گروه‌های مختلف را دوباره برقرار کنیم.» وی با بیان مثالی افزود: «مثلا اگر سال ۱۴۰۱ را مرور کنیم می‌بینیم فاصله زیادی بین هنرمندان و حکمرانی ایجاد شده بود. کاری با مقصر نداریم و بحث‌مان برقراری تعامل دوباره است. در یکسال اخیر با تلاش‌هایی که صورت گرفت و حتماً رضایت‌بخش و کافی نبود، عمق گسست‌ها زیاد بود و ما تلاش کردیم این مشکلات کمتر شود. شاهدش هم جشنواره فجر ۱۴۰۳ که اقبال وسیع‌تر هنرمندان را دیدیم. این امر به مسیر تعاملی برمی‌گردد که در وزارت فرهنگ و ارشاد شکل گرفت.» وزیر ارشاد ادامه داد: «شاهد دوم حماسه ۱۲ روزه بود. اقبال وسیعی از هنرمندان در روزهای جنگی حضور پیدا کردند و سهم قابل توجهی در مقاومت و دفاع ملی داشتند. صدها هنرمند در فضای مجازی از ایران دفاع کردند و نمی‌خواهیم بگوییم همش کار ماست، طبیعتاً عرق ملی و جایگاه ایران برای هنرمندان هم تأثیر دارد اما تعاملات ما هم بی‌اثر نبوده‌اند. هنرمندان آمدند خوب‌هم آمدند. خلاصه مطلب اینکه ما رویکرد خودمان را در بحث تغییرات اجتماعی داریم اعمال می‌کنیم. باب تعامل و انتقاد و حس اینکه وزارت فرهنگ خانه هنرمندان است، دنبال کردیم و حتماً هنوز هم فاصله زیادی داریم. این‌ها ادعا نیست شاهدش جشنواره‌ها و این ۱۲ روزند. این امر نشان می‌دهد که چنین رویکردی جواب می‌دهد.»

شفافیت مهم است

در یکی دو ماه اخیر وزارت فرهنگ و ارشاد شفافیت‌هایی از عملکرد مالی خود در جشنواره‌های مختلف منتشر کرد که هرکدام به نوبه خود برای ابهام‌زدایی نیازمند توضیحاتی بودند. بااین حال هنوز برخی زیرمجموعه‌های وزارت ارشاد نیازمند شفاف‌سازی بیشترند، برای مثال عملکرد دفتر موسیقی یک سال است که به‌روزرسانی نشده، هرچند وزیر ارشاد در نشست خبری با بیان اینکه شفاف‌سازی را دنبال می‌کند، گفت: «در دولت دوازدهم هم شفافیت را دنبال می‌کردیم. شفافیت پیشگیری از فساد است و باعث می‌شود از نقدها کمک بگیریم و با اصحاب فرهنگ و هنر تعامل داشته باشیم. بعد از یک وقفه قرار است جزئیات همه اسناد اداری، برنامه‌های مختلف و جشنواره‌ها و... بارگذاری شوند. این شفافیت ما را در معرض نقد قرار می‌دهد که خودش هدیه الهی محسوب می‌شود.»

وام‌می‌دهیم تا مردم بتوانند کنسرت بروند

به‌کرات در باره گران‌شدن بلیت کنسرت و دیگر بسترهای فرهنگی نوشته‌ایم؛ کتاب گران است، سینما و تئاتر گرانند و با توجه به موضوعات اقتصادی و معیشتی، به‌مرور مصرف فرهنگی در سبد خانوار حذف می‌شود. وزیر ارشاد در باره راه‌کاری که برای جلوگیری از این اتفاق در نظر گرفته شده، گفت: «مصرف فرهنگی در سبد خانوار در سال‌های اخیر بسیار پایین است، برای همین تصمیم گرفته‌ایم طرح فرهنگ‌کارت را دنبال کنیم. این طرح در گام اول برای ۱۰۰ هزار نفر از اصحاب فرهنگ و هنر به مبلغ ۱۵ میلیون تومان شارژ می‌شود و با آن می‌توانند کتاب بخرند یا به کنسرت بروند. این مبلغ که به‌صورت وام پرداخت می‌شود بدون سود است و در ۶ قسط باید بازگردانده شود.»

دربارهٔ نمایش «ریگ‌چاه»

تنت هزار زخم بی‌زبان...

محمد صالح سلطانی خبرنگار

بازیگران وارد صحنه می‌شوند و در همان دقایق نخست، تماشاگر را میان طنزی تلخ و رگه‌هایی از تراژدی قرار می‌دهند. قصه‌ای که پیش روی مخاطب زنده می‌شود، ظاهراً ساده است: شش سرباز مرزی در پاسگاهی دورافتاده، هر کدام با رویاها و هویت فرهنگی خاص خود، درگیر روزمرگی، دل‌تنگی و امیدهای کوچک‌اند. اما این سادگی بهانه‌ای است برای گفتن از چیزی بسیار بزرگ‌تر: پرسش از مرزها، از زندگی در سایه وطن، و از سرنوشت سربازانی که همیشه در حاشیه‌اند اما بار اصلی پاسداری از کشور بر دوش آن‌هاست.

روایت سربازانی با رویاهای فراموش‌شده

شخصیت‌های «ریگ‌چاه» از دل فرهنگ‌های متنوع ایران برآمده‌اند: کرد، مشهدی، جنوبی، آذری و... هر کدام لهجه‌ای دارند و پیشینه‌ای و مهم‌تر از همه، آرزویی که هیچ نسبتی با خدمت سربازی و آن پاسگاه خاکی ندارد. یکی می‌خواهد کارگردان تئاتر شود، دیگری دلش پیش نامزدش گیر

است، و آن دیگری شاید فقط آرزوی یک زندگی ساده و بی‌دردسر دارد. این رویاها اما درست در نقطه‌ای که باید شکوفا شوند، در دل خدمت سربازی متوقف می‌شوند. سربازان قصه ما چاره‌ای جز دلپذیرکردن موقعیت سخت و اجباری خود ندارند. برای همین می‌زنند و می‌خوانند و می‌خندند و البته در برابر مافوقی که ما هیچ‌وقت روی صحنه نمی‌بینیمش، ادای احترام می‌کنند تا این روزها و لحظات را بگذرانند؛ برای رسیدن به رویاهایی که بیرون پاسگاه مرزی منتظر آن‌هاست.

وقتی کمدی به تراژدی می‌رسد

علی پیمان، نویسنده و کارگردان نمایش، هوشمندانه از زبان کمدی آغاز می‌کند. خنده‌ها و شوخی‌های سربازان، صحنه را گرم می‌کند و تماشاگر را آرام‌آرام با شخصیت‌ها آشنا می‌سازد. اما این خنده‌ها هرگز بی‌خطر نیستند؛ در پس هر شوخی، هراسی پنهان است و در پس هر خنده، زخمی تازه. درست در لحظه‌ای که تماشاگر به صمیمیت این جمع دل می‌بندد، یک تنش مرزی، ناامن و خشن، وارد صحنه می‌شود و روایت را به سمت تراژدی می‌کشاند. پایان‌بندی نمایش نه صرفاً بازنمایی نمایشی یک ماجرای

وزیر ارشاد با تأکید بر اهمیت تغییر ساختار صداوسیما گفت: «نکته‌ای که وجود دارد و امیدوارم سوء‌تعبیر نشود، این است که پساجنگ با پیشساجنگ تحمیلی دو فضای متفاوت است و ما باید نظام حکمرانی عام را با نگاهی جدید پیش ببریم. نظام حکمرانی فرهنگی نباید مانند گذشته باشد. صداوسیما جایگاه خاصی دارد و در طول ایام جنگ نیز نشان داده با وقوع جنگ مجموعه مخاطبان افزایش یافت و بخش مهمی از وحدت، انسجام و گفت‌وگوی ملی می‌تواند در رسانه اتفاق بیفتد و با رسانه ملی باشد. رسانه ملی پسادوازده روز با پیشادوازده روز با فرق کند و نمایه‌های اندکی دیده شد که کافی نیست. سهم جدی‌تری در انسجام ملی و پوشش سلیقه‌ها و اقشار مختلف و مراقبت از عدم شکست وحدت ملی باید باشد. این نگاه من در همه حوزه‌هاست که باید پساجنگ و پیشاجنگ را ببینیم و وظیفه رسانه ملی ایجاد می‌کند که نوعی دیگر در شیوه تدبیر و مدیریت نگاه داشته باشد.»

وزیر ارشاد با تأکید بر اهمیت تغییر ساختار صداوسیما گفت: «نکته‌ای که وجود دارد و امیدوارم سوء‌تعبیر نشود، این است که پساجنگ با پیشساجنگ تحمیلی دو فضای متفاوت است و ما باید نظام حکمرانی عام را با نگاهی جدید پیش ببریم. نظام حکمرانی فرهنگی نباید مانند گذشته باشد. صداوسیما جایگاه خاصی دارد و در طول ایام جنگ نیز نشان داده با وقوع جنگ مجموعه مخاطبان افزایش یافت و بخش مهمی از وحدت، انسجام و گفت‌وگوی ملی می‌تواند در رسانه اتفاق بیفتد و با رسانه ملی باشد. رسانه ملی پسادوازده روز با پیشادوازده روز با فرق کند و نمایه‌های اندکی دیده شد که کافی نیست. سهم جدی‌تری در انسجام ملی و پوشش سلیقه‌ها و اقشار مختلف و مراقبت از عدم شکست وحدت ملی باید باشد. این نگاه من در همه حوزه‌هاست که باید پساجنگ و پیشاجنگ را ببینیم و وظیفه رسانه ملی ایجاد می‌کند که نوعی دیگر در شیوه تدبیر و مدیریت نگاه داشته باشد.»

ایران فقط تهران نیست!

صالحی همچنین درباره یکی دیگر از اقداماتی که در یک سال اخیر در وزارت ارشاد در حال پیگیری بوده، گفت: «ما به این نکته توجه کرده‌ایم که ایران فقط تهران نیست و باید بیشتر به استان‌ها و شهرستان‌ها هم در حوزه منابع انسانی و هم رویدادها توجه کرد. البته در دولت دوازدهم نیز این رویکرد را داشتیم.» وزیر ارشاد افزود: «تمام معاونت‌ها برش بودجه‌ای استانی را در سال ۱۴۰۴ ارائه داده‌اند و اینکه چقدر برای هر استان هزینه می‌کنند. در اولین جلسه شورای عالی سینما مقرر شد شورای استانی سینما تشکیل شود، یعنی استانداران در هر استانی شورای استانی سینما را تشکیل دهند. طرح احداث سینما در شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر در همین شورا مطرح شده و در حال پیگیری است.» او در بخش دیگری از سخنان خود به عملکرد وزارتخانه در حوزه کتابخانه‌ها اشاره کرد و گفت: «طی یک سال گذشته ۱۶ کتابخانه سیار با افتتاح شده یا آماده افتتاح است، همچنین نمایشگاه‌های کتاب استانی مدتی تعطیل شده بود که در دولت چهاردهم در ۱۰ تا ۱۵

رسانهٔ ملی پسادوازده روز با پیشادوازده روز باید فرق کند

حرف جدیدی دربارهٔ ممیزی سریال‌های نمایش خانگی ندارم

در بخشی دیگر از نشست خبری، وزیر ارشاد در پاسخ به سؤالی درباره توقیف و ممیزی سریال‌ها در شبکه نمایش خانگی و تعامل با ساترا گفت: «در این زمینه حرف جدیدی ندارم و در دولت سیزدهم تقسیم‌کاری صورت گرفته که مسئولیت حوزه نمایش خانگی در این زمینه با ساتراست و ما در این حوزه نمایندگانی داریم.»

ارزش فردوسی با توهین یک بلاگر کم نمی‌شود

در روزهای اخیر توهین یکی از بلاگرها به فردوسی واکنش‌های زیادی از طرف اهالی فرهنگ و هنر و دوستاندار ادبیات به‌دنبال داشته است. سیدعباس صالحی در ادامه نشست خبری خود با اصحاب رسانه به این توهین واکنش نشان داد و بیان کرد: «فردوسی شناسنامه و هویت ایران است و با این کارها بر ارزش آن‌ها افزوده می‌شود که کاسته نمی‌شود.»

استان نمایشگاه کتاب استانی مجدد برگزار می‌شود.» صالحی ادامه داد: «طی یک‌سال ۲۴ کتابخانه و سه مجتمع فرهنگی در استان‌ها افتتاح شده و پنج هنرستان هنرهای زیبا در استان‌های کشور شروع به فعالیت خواهند کرد.»

وزیر ارشاد در این نشست خبری درباره سرنوشت فیلم «قاتل و وحشی» و رفع توقیف آن گفت: «عمده‌ترین مسئله «قاتل و وحشی» مشکل شرعی است، بازیگر اصلی فیلم موهای سر را تراشیده و بازی کرده است. در نمونه‌های قبلی اما بازیگر زن اصلی که مو تراشیده باشد و در کل زمان فیلم با همان شکل بازی کند نبوده است. خانم فریمه فرجامی در فیلم «سرب» یک سکانس حضور دارد اما در این اثر، تا پایان فیلم این حالت وجود دارد. ما در شورای پروانه نمایش یک روحانی ناظر داریم که معتقد است این مشکل پابرجاست و تا الان از این زاویه حل نشده است.»

ایرانی تجربه‌ای مشترک است؛ تجربه‌ای که در آن، هم طنز هست و هم تلخی، هم دوستی هست و هم محرومیت. اما فراتر از این تجربه مشترک، نمایش، بر زخمی تاریخی دست می‌گذارد: زخمی که در دهه‌های اخیر، همواره در مرزهای کشور باز شده و سربازان زیادی را در راه دفاع از وطن به مسیر شهادت رسانده است. از این رو، «ریگ چاه» فقط یک نمایش سرگرم‌کننده نیست؛ مرثیه‌ای است برای نسلی که جان خود را در راه حفظ ایران گذاشت.

یک بازاندیشی هنری

اثر جدید باشگاه تئاتر سوره، نمایشی است درباره مرز، درباره رویاهای بر باد رفته، و درباره شهدایی که اغلب فراموش می‌شوند. قوت اصلی نمایش در تلفیق کمدی و تراژدی، و در تبدیل یک موقعیت ساده و محدود به پرسشی بزرگ درباره وطن و زندگی است. شاید بتوان گفت این اثر، بیش از آنکه فقط یک روایت نمایشی باشد، آینه‌ای است برای بازاندیشی در نسبت ما با مرزها، با خدمت سربازی، و با جوانانی که خون خود را تقدیم وطن می‌کنند.

